

سید محسن جلال الدینی

رویکرد فقهی امام موسی صدر

جهان نو و قانون مقدس از دیدگاه امام موسی صدر

ادیان یکی بودند، زیرادر خدمت هدی واحد بودند؛ دعوت به سوی خدا و خدمت انسان؛ و این دو نمودهای حقیقتی یگانه‌اند. (ادیان در خدمت انسان، ص ۱۴)

۱- سخن گفتن از موضوعی همچون دیدگاه فقهی یک شخص در یک متن کوتاه برای خوانندگان متخصص در علمی غیر از علم مذکور کاری است مشکل، بویژه اگر فرد مورد بحث کسی باشد - که همچون امام صدر به علت مشاغل غیر علمی به شکل منظم و مبسوط به بیان دیدگاه‌هایش نپرداخته و احصاء نظرانش مستلزم کار تحقیقی وسیع بار و یک‌دفعه تفسیری است، اما اگر بخوایم همین اندک فرصت را غنیمت بشماریم، باید نخست در بایم که به نظر امام صدر اساساً فقه چیست؟ و چون دست کم در حیطه اطلاعات نگارنده در آثاری که هم‌اکنون از ایشان یادواره ایشان موجود است "تعریف مستقلی" از فقه وجود ندارد، ناچار باید به ویژگی‌هایی که ایشان برای حکم فقهی ذکر کرده‌اند مراجعه کرد و تعریف فقه از نظر ایشان را استنباط نمود.

نکته دیگر اینکه با توجه به اینکه فقه علمی از علوم دینی است و باید در جزئیات خویش تابع کل باشد - بویژه که خود امام صدر هم بر این نکته تأکید دارد (۱) - به نظر نگارنده باید به دیدگاه ایشان در باب دین نیز رجوع کرد و نقل جمله‌ای از سخنرانی ایشان در ابتدای این نوشته نیز به همین منظور است. فقه به عنوان جزئی از کل دین باید در خدمت انسان باشد اما به چه منظور؟ به منظور حرکت انسان به سوی خدا. آیا می‌شود در

زمین عمل کرد و روی به سوی آسمان داشت؟ ظاهراً صدر نه تنها این امر را ممکن می‌داند، بلکه خدمت به انسان و دعوت به خدایان نمودهای یک حقیقت می‌داند.

اما فقه چیست؟ فقه قانونی است مقدس. در نتیجه از آن جهت که قانون است - و هدف قانون حفظ و حراست از حقوق افراد در شرایط مختلف است - باید با توجه به مصالح خاص مکان و شرایط متغیر زمان باشد؛ و از آن جهت که مقدس است، باید در جهت و به سمت امور بی‌زمان و مکان و مطلق باشد، یعنی الوهیت و انسانیت با توجه به - و با مبنا قرار دادن - نحوه ظهور این امور مطلق در شرایط زمانی و مکانی خاص (عصر و محیط نزول دین)؛ آیا این تناقض نیست؟ جدال معروف سنت - تجدد و امر قدسی - امر عرفی در اینجا سر بر می‌آورد. چگونه یک فقیه می‌تواند در عصری متفاوت از عصر نزول (که در اینجا منظور زمان ظهور اسلام است) - بخصوص در دوران پیچیده مدرن با توجه به متونی که شرایط محیطی و قومی مردم مورد خطاب (یعنی عرب بسوی) را در خود دارد نیاز مارا به مسائل مورد ابتلا، به وسیله این "قانون

امام صدر معتقد است فقیه باید برای استنباط احکام به عقل مراجعه کند، بخصوص که عقل و شرع همیشه به یک امر حکم می‌دهند

مقدس" رفع کند؟ افزون بر این اساساً چه نیازی به تقدس در قانون وجود دارد؟ آیا عقل انسان و تجربیات او برای وضع قوانین کافی نیستند؟ دشواری بحث اینجاست که اگر قوانین مورد وضع توسط فقیه صرفاً تکرار قوانین عصر نزول است پس نیاز ما را به قانون در شرایط فعلی مان بر طرف نمی‌کند و اگر متفاوت با این احکام است و برآمده از استنباط و تعقل فقهای غیر معصوم از خطا و هوی - در نتیجه مانند دیگر قوانین، بشری است و خطا پذیر؛ پس چه نیازی به این قانون مقدس وجود دارد؟

۲- قانون مقدس از نظر امام صدر، قانون است چون با توجه به تمامی شرایط زمانی و مکانی صادر می‌شود. امام صدر معتقد است فقیه باید برای استنباط احکام به عقل مراجعه کند، بخصوص که عقل و شرع همیشه به یک امر حکم می‌دهند. (۲) همچنین باید قوانین موضوعه را بداند تا به فهم محدود و شرایط حکم نایل شود. (۳) دانستن اصول و ارزش‌های انسانی نیز به همین منظور لازم است، مثلاً فقیه باید بداند از منظر تجربیات و فهم انسانی تلقی کار به عنوان یک کالا که کارگر در آن نقشی جز یک ماشین و بلکه خدمتکار ماشین ندارد، نه تنها ساسی مهلک برای سلامت اجتماع انسانی است، بلکه کشنده خلایق و شادابی فرد کارگران به عنوان موجودات صاحب مقام انسانیت است. (۴) صدر به عنوان یک فقیه نمی‌تواند از این واقعیت چشم‌پوشد؛ هر چند این نکته به وسیله فیلسوفی مثل مارکس مورد تأکید قرار گرفته و بلکه او

نخستین بار "در میان فلاسفه و جامعه‌شناسان" به این نکته توجه جدی کرده باشد.

۳- اما قانون مقدس، مقدس است چون غیبت، قداست و باطن دارد. امروزه در جوامع قانون مدار بیش از دیگر جوامع این امر احساس می‌شود که صرف "قانون" بودن - به معنی ضمانت اجرای دولتی داشتن یک حکم حقوقی - برای مطاع بودن آن توسط مردم (شهروندان) کافی نیست؛ تا وقتی که این ضمانت اجرا صرفاً امری خارجی است نمی‌توان از کسی انتظار داشت به آن قلباً مقید باشد، بویژه آنگاه که عامل بازدارنده خارجی متوجه به عمل در خفا نیست. اگر من نباید کسی را بکشم چون زندانی یا اعدام می‌شوم، نباید دزدی کنم چون جزای قانونی در انتظار من است و نباید دیگر آزاری کنم - به همین دلایل - فرصت‌های نبودن این عامل بازدارنده یا امکان فرار از آن جایی است برای امکان عمل مجرمانه. غیبت و قداست حکم دینی، مانعی است در برابر این نگاه به قانون، که قوانین عرفی و غیر مقدس از آن بی‌بهره‌اند.

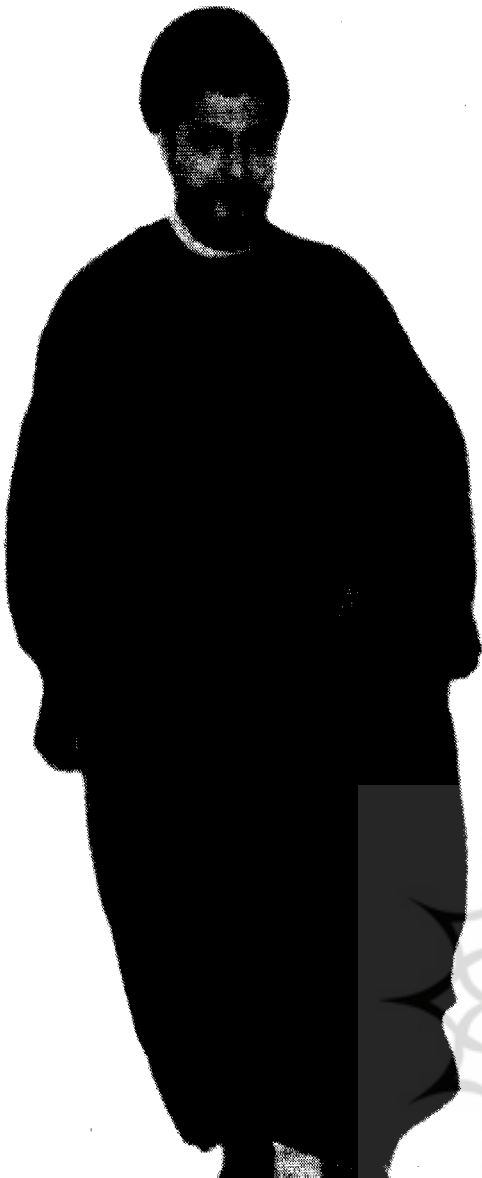
از خلال همین مطلب است که از نظر امام موسی صدر، اسلام هدف از کار و فعالیت اقتصادی را کسب حداکثر سود مادی ممکن به قیمت تخریب محیط زیست، از بین بردن حق دیگران (چه به شکل قانونی و در بازی رقابت‌های ناسالم و یا شکل غیرقانونی) آن نمی‌داند، بلکه هر کمالی در مفهوم دینی آن، تا آنجا کمال است که مقرون به حق باشد و گرنه موجب تجاوز، بیدادگری و کشمکش‌های تلخ اجتماعی می‌شود. (۵) از این نظر نقد جدی بر مبنای اقتصادی نظام‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری وارد است.

۴- حال به پاسخ پرسش خود نزدیکتر شده‌ایم. پارادوکس خدا - انسان در قانون‌نگداری شرعی را چگونه حل می‌کنیم؟ آیا قانون بشری با قداست الهی در تضاد نیست؟ ما چه نیازی به قانون مقدس داریم؟ آیا دخالت عقل در استنباط حکم شرعی منافای با الهی بودن حکم نیست؟ و آیا مبنای بودن متن مقدس در استنباط متضاد با شرایط و نیازهای ما و انتظارات بشر از قانون نیست؟ نخست باید گفت که امام صدر به عنوان یک مسلمان عالم، نه انسان را موجودی رها شده و فارغ از قداست و

جدا از خدا می‌داند و نه خدا و امر قدسی را امری منفک از زندگی دنیوی. در پرتو این قاعده، قانون بشری اگر بخواهد مصالح ساحت‌های مختلف وجودی انسان را در نظر بگیرد، لازم است به امر قدسی و ظهور و حیات آن و منابع مقدس دیگر (منابع فقه) به‌عنوان برنامه‌ای جامع‌الجهات توجه کند، بویژه که به نظر امام صدر در اسلام نه تنها دین و آخرت از دنیا جدا نیست، بلکه اساساً دین آمده‌اند تا دنیای انسان را به عنوان مرحله‌ای در مسیر کمال او مورد توجه قرار دهند. او اظهار تأسف می‌کند که امروزه به نظر بعضی مؤمنین دین فقط برای مرگ است. (۶) نیاز ما به قانون مقدس در اصل احکام عبادی که از دیدگاه امام صدر غیر قابل تغییرند (۷)، نیاز به امری "فراعقلی" و نه "غیرعقلی" است. اما در احکام غیر عبادی (در اصطلاح فقها معاملی) نیاز ما به حکم الهی از آن رو "نیست" که عقل ما تشخیص خوب و بد را نمی‌دهد. صدر نشان می‌دهد که تحول در شریعت با رجوع به امر عقلانی به شکل گسترده‌ای ممکن است (در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم)، عقل همان گونه که حقیقت اصول دین را با رجوع به منبع و حیاتی می‌پذیرد - اگر چه خود هم به بسیاری از مسائل و لاقابل اساس آنها می‌رسد - به منابع فقهی به‌عنوان راهنمای عقل مراجعه می‌کند. امروزه که

از نظر امام موسی صدر، اسلام هدف از کار و فعالیت اقتصادی را کسب حداکثر سود مادی ممکن به قیمت تخریب محیط زیست، از بین بردن حق دیگران (چه به شکل قانونی و در بازی رقابت‌های ناسالم و یا شکل غیرقانونی) آن نمی‌داند، بلکه هر کمالی در مفهوم دینی آن، تا آنجا کمال است که مقرون به حق باشد و گرنه موجب تجاوز، بیدادگری و کشمکش‌های تلخ اجتماعی می‌شود

مدل‌های مختلف عقلانیت مدرن و غیر مدرن در بازار اندیشه عرضه می‌شوند، این امر پذیرفتنی‌تر می‌نماید که دین نیز می‌تواند مدل‌های عقلانی خود را در حیطه نظر و عمل ارائه دهد. (البته در حوزه‌هایی که عقل در باب آنها حکمی دارد). همچنین باید گفت که برخلاف تلقی بسیاری از متشرعین، دخالت عقل، مانع از قداست حکم نیست. چگونه [ممکن است] دینی همچون اسلام که در قرآن بارها و بارها مردم را به تعقل در مسائل بزرگ دنیا و ماورای آن تشویق کرده و بدترین جنبندگان را کسانی می‌داند که نمی‌اندیشند (۸)، درباره مصالح دنیای مردم حکم به تعطیل عقل بدهد و یا آن را محدود بداند؟ البته قرآن بر آن است که به مردم بیاورد عقل را در مسیر هواهای نفسانی و ظن و گمان نیندازند تا در باب دین و دنیایشان مصلحت را در یابند. اینگونه



است که عرشی بودن حکم با فرشی بودن عمل در هنگام نیاز انسان تناقض ندارد. مانسه تنها به قانون مقدس نیاز مندیم، بلکه قانون غیر مقدس (سکولار) جنبه‌ای از واقعیت وجودی ما را به عنوان موجودات دارای فطرت الهی در نظر نمی‌گیرد و در نتیجه نیاز به قدسیت دارد.

هزاسوی امام موسی صدر از غیر واقعی و ناصحیح بودن نگاه فقهی موجود در حوزه‌های علمیه گلابه دارد (۹) و از سوی دیگر نظام اقتصادی و قانونی کشورهایی که فقط نام جامعه اسلامی را یدک می‌کشند راه تیغ نقد می‌نوازند (۱۰) و از دیگر سو نظام‌های اقتصادی موجود در دنیا را به لحاظ تئوریک دارای نقایص جدی می‌داند. (۱۱) ما در این مجال محدود نمی‌توانیم به تفصیل راه حل‌ها و پیشنهادات او را مورد بحث قرار دهیم و به آنچه گفته شد اکتفا می‌کنیم.

به ذکر چند مورد از استنباط‌های فقهی او متناسب با فضای این نوشته پرداخته می‌شود:

الف- تعدد زوجات: صدر معتقد است تعدد زوجات در اسلام یک حکم محدود به شرایط است. او با استناد به آیه ۳ سوره نساء که بحث تعدد در آن مطرح شده نص قرآن را نشان دهنده این محدودیت می‌داند. قرآن می‌فرماید به شرطی مرد می‌تواند بیش از یک زن اختیار کند: *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى...*

و اگر بیم آن دارید که نتوانید بیسن یتیمان عدالت را برقرار کنید، یعنی اگر به علت کثرت یتیمان و ارتباط شما با آنها برای رسیدگی به امورشان نیاز به حضور دائم در خانه مادران آنهاست و عدم انس شما با خانواده آنها مانع این رسیدگی است، در جهت تسهیل در این امر می‌توانید با زنان بی شوهر صاحب این یتیمان ازدواج کنید. تازه به شرط آنکه بتوانید بین آنها و همسران خودتان عدالت برقرار کنید و گرنه به همان یک زن اکتفا کنید: *... فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُعْدِلُوا فَوَاحِدَةٌ (نساء: ۳)*

آیه قرآن بر این محدودیت صراحت دارد و شرط این حکم عمدتاً زمانی فراهم است که به دلیل عواملی همچون جنگ و امثال آن تعداد یتیمان زیاد باشد. نکته قابل تأمل اینجاست که امام صدر معتقد است سیره و روش پیامبر و ائمه و صحابه به دلیل اینکه مصداق فعل و عمل

آنهاست مطلق نیست و در مقابل نص قرآن این روش را از عمومیت و جاودانگی حکم ساقط می‌کند. (۱۲) او همچنین راه‌هایی ارائه می‌دهد تا از آزادی عنان گسیخته مرد در قبال همسرش جلوگیری شود. (۱۳)

ب- طهارت اهل کتاب: در زمان ورود امام صدر به لبنان به دلیل فتوای رایج بین شیعیان مبنی بر نجس بودن اهل کتاب و دلایل دیگر رابطه بسیار بدی بین مسلمانان و مسیحیان وجود داشت. امام صدر شجاعانه در مقابل این حکم ایستاد و نظر خود را در مقابل آن بیان کرد. (۱۴) فتوای آیت‌الله حکیم از مراجع تقلید وقت مبنی بر طهارت اهل کتاب هم به این موضع کمک کرد. نگارنده نمی‌داند مینا و استدلال فقهی امام صدر در این باره چه بوده و در کتب موجود نیز تاکنون به این موضوع برخورد کرده است.

اما با توجه به آنچه در ابتدای مقاله ذکر شد باید گفت چگونه ممکن است قرآن کریم به عنوان مبنای اصلی فقه اسلامی درباره مسیحیان مؤمن بگوید: *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره: ۶۲)* کسانی که ایمان آوردند و هدایت شدند و نصرتیان (مسیحیان) و صابئین (احتمالاً پیروان حضرت یحیی) هر آن کسی که ایمان آورد و کار نیکو کند؛ همانا اجرشان نزد پروردگارشان است و ترسی ندارند و محزون نمی‌شوند.

آن‌گاه در شریعت این قرآن اهل این دین کلاً طهارت نداشته باشند؟

ج- موسیقی: امام صدر نه تنها به حلال بودن موسیقی قائل است، بلکه خود نیز بسیار موسیقی را دوست داشته و حتی به یادگیری آن توصیه می‌کرده است. (۱۵) دکتر صادق طباطبایی خواهرزاده امام نقل می‌کند که وی می‌گفت: انشاءالله یواش یواش پای ارکسترهای بزرگ به حسینیه‌ها باز شود و هنرهای زیبا در خدمت مذهب قرار گیرند. (۱۶)

۶- متأسفانه امام صدر به دلیل محذورات سیاسی و تابعیت از نجف و نیز مشغله‌های اجرایی و سیاسی، آرای فقهی و حتی فتاوی خود را بیان نکرده. با این همه همین مختصری

که از او به جا مانده و این مختصر نیز در این مقاله به اختصار گفته شد نشان دهنده عمق اندیشه اوست. باید توجه کرد که ایشان فقهی برجسته و تربیت یافته در سنت فقهی است (۱۷) و نظراتش ریشه در جو زندگی‌های مرسوم ندارد. جای بسی تأسف است که در همان دوران، متحجرین و نامان سعی بر بی‌آبرو کردن این مرد بزرگ و از بین بردن جایگاهش داشتند. (۱۸) یک روز به بهانه رابطه‌اش با مسیحیان و روز دیگر با نشان دادن عکس وی در کنار خانم‌های بی حجاب به مراجع و....

* دانشجوی کارشناسی فلسفه غرب

پی‌نوشت:

- ۱-ر. ک: روح تشریح در اسلام، امام موسی صدر، ترجمه موسی اسوار، چاپ اول ۱۳۸۷، ناشر: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امام موسی صدر و...، ص ۱۱ و ۱۳.
- ۲ و ۳- همان، ص ۲۵.
- ۴- همان، ص ۲۷ و ۲۸.
- ۵- همان، ص ۲۹.
- ۶-ر. ک: لوح فشرده شرح صدر، مؤسسه فرهنگی نرم‌افزاری آرمان، بخش صدا، نامه صوتی امام صدر به صادق طباطبایی.
- ۷- روح تشریح...، ص ۱۵.
- ۸- انتقال: ۲۲.
- ۹-ر. ک: عزت شیعه، دفتر دوم، چاپ اول ۱۳۸۶، انتشارات صحیفه خرد، ص ۱۱۶.
- ۱۰- روح تشریح...، ص ۳۰، ۳۱ و ۳۳.
- ۱۱- همان، ص ۲۹۶ تا ۲۹۷.
- ۱۲- همان، ص ۱۸ و ۱۹.
- ۱۳- همان، ص ۲۱ و ۲۲.
- ۱۴-ر. ک: مردی که زنده می‌ماند، حسن مولادوست، ناشر: عصر رسانه، چاپ اول ۱۳۸۴، ص ۳۵ و عزت شیعه، ص ۱۱۰.
- ۱۵-ر. ک: عزت شیعه، ص ۲۴۰ و ۱۰۸ تا ۱۱۳.
- ۱۶- همان، ص ۱۱۲.
- ۱۷- برای نمونه شهید محمد باقر صدر فقیه بزرگ دوران ما امام صدر را با هوش‌ترین فقها در مسائل جدید می‌دانسته است، همان ص ۱۳۲.
- ۱۸- همان، ص ۱۴۸، ۱۴۹ همچنین ر. ک: امام موسی صدر امید محرومان، عبدالرحیم اباذری، انتشارات جوانه رشد، چاپ اول ۱۳۸۱، ص ۲۲۰.